

Index

Sr#	Description	Page No.
01	Article	02
02	Turnitin Report	22
03	Report of International Reviewer	23
04	Report of National Reviewer	25



Urdu language research in Pakistan on Shahnama from the perspective of approachology

***Masoumeh Mahia Mahmoud**

Abstract:

The perspective and approaches of non-Persian speakers toward Persian literary figures, especially Ferdowsi's Shahnameh, have always been fascinating for Persian speakers. Many researchers from the Indian subcontinent have written their works in Persian, but there are also numerous studies in Urdu that have remained unknown to Persian speakers. To understand which aspects of the Shahnameh have attracted Urdu speakers' attention and how they interpret it, this paper attempts to explain their approach and orientation in their Urdu-language research

It appears that Urdu speakers have viewed the Shahnameh from various angles and addressed diverse topics. Some works have pursued a specific approach with a clear objective, while some authors have adopted an integrated approach combining literary history, analytical interpretation, moral and educational approaches, and translation methods. They have often found the rhetoric of the Shahnameh remarkable and have rarely criticized it. It seems that the Urdu writings of renowned Ferdowsi scholars like Hafiz Mahmoud Shirani remain the primary source for Ferdowsi studies in this region even after many years, with others writing about Ferdowsi under the influence of Shirani's views. Meanwhile, recent Persian research appears to have been largely inaccessible to Urdu speakers

Classifying and analyzing these approaches in a selection of Urdu language research representing just a fraction of the whole provides a clearer picture of non-Persian speakers' enthusiasm for classical Persian literature

Keywords: Shahnama, Ferdowsi, Persian, Urdu speakers, Approach

رویکردشناسی پژوهش‌های زبان اردو به شاهنامه

*معصومه محیا محمود

چکیده:

اینکه غیر فارسی زبانان با چه رویکردهایی و از چه زوایایی به مشاهیر ادب فارسی خصوصاً شاهنامه فردوسی پرداخته‌اند همواره برای فارسی زبانان جالب توجه بوده است، بسیاری از پژوهشگران شبه قاره آثار خود را به زبان فارسی نوشته‌اند اما پژوهش‌های زبان اردو نیز بسیارند که برای فارسی زبانان ناشناخته مانده‌اند، برای دانستن اینکه چه جنبه‌هایی از شاهنامه مورد پسند و توجه اردو زبانان قرار گرفته و برداشت آنان از شاهنامه چگونه است این نوشتار کوشیده است به تبیین رویکرد و جهت‌گیری آنان در پژوهش‌هایشان به زبان اردو بپردازد.

به نظر می‌رسد اردو زبانان از زوایای مختلفی به شاهنامه نگریسته و به موضوعات گوناگونی پرداخته‌اند، برخی از آثار با هدفی مشخص یک رویکرد را دنبال کرده است و برخی از نویسندگان رویکردی تلفیقی دارند، تلفیقی از رویکرد تاریخ ادبیاتی رویکرد تحلیلی تفسیری رویکرد تعلیمی و اخلاقی و مشترکاً رویکرد ترجمه، و گاهی بلاغت شاهنامه برای آنها اعجاب برانگیز بوده است و به ندرت نقدی بر آن وارد کرده‌اند. به نظر می‌رسد نوشته‌های زبان اردو فردوسی پژوهان به نامی چون حافظ محمود شیرانی پس از گذشت سالیان سال هنوز منبع اصلی فردوسی پژوهی در این خطه است و دیگران تحت تاثیر نظرات شیرانی درباره فردوسی دست به قلم شده‌اند و پژوهش‌های جدید فارسی از دسترس اردو زبانان دور بوده است.

طبقه‌بندی و تحلیل رویکردی گوشه‌ای از پژوهش‌های زبان اردو که مثنی نشانه خروار است، تصویری شفاف‌تر از اشتیاق غیر فارسی زبانان به آثار کلاسیک فارسی ارائه می‌کند.

کلیدواژه: شاهنامه، فردوسی، فارسی، اردو زبانان، رویکرد

*استاد موقعتی دانشگاه فردوسی مشهد ایران modares.qu@gmail.com

حاصل رنج سی ساله فردوسی شاهکاری ماندگار برای بقا و سرافرازی زبان فارسی شد که نه تنها ایرانیان و فارسی زبانان از آن بهره‌ها جسته و به آن می‌بالند، بلکه غیرفارسی‌زبانان سرزمین‌های دیگر نیز برای چشیدن شهد شاهکار فردوسی، حتی صعوبت فراگیری زبان فارسی، آن هم از نوع دری را به جان می‌خرند تا در کنار لذت‌بردن از داستان‌های پرشور حماسی شاهنامه، از حکمت‌ها و اندرزهای حکیم توس توشه گیرند. در این راستا شاهنامه پژوهان شبه قاره آثار ذی‌قیمتی نیز به زبان اردو نگاشته‌اند. مردم شبه‌قاره پاک و هند علاقه وافر به قند پارسی و احیاگر فرزانه آن دارند، مقالات و کتابهای فراوانی در تحلیل و بررسی و ترجمه و تشریح شاهنامه به زبان‌های اردو و فارسی در این خطه قلمبند شده است.

از تشکیل کشور پاکستان هفتاد شش سال می‌گذرد اما قدمت زبان فارسی و حضور شاهنامه در ایالاتی که اکنون پاکستان نامیده میشود به سالیان دراز قبل از تشکیل پاکستان برگردد، فردوسی پژوهان به نامی چون حافظ محمود شیرانی و شیخ محمد اقبال (هم دوره و هم نام شاعر پرآوازه لاهور که تنها بیست سال از او کوچکتر بود) طلایه داران شاهنامه پژوهی در ایالت پنجاب در بحبوحه سالهای استقلال پاکستان بودند اگرچه سالی قبل از استقلال پاکستان شیرانی داعی اجل را لبیک گفت اما آثار گرانبساز او تا به امروز مورد توجه دوستداران شاهنامه و از منابع اصلی شاهنامه پژوهان پاکستان به شمار می‌آید، شاهنامه پژوه و ایرانشناس شهیر ایالت سند پیرحسام الدین راشدی اگرچه تنها دو دهه ابتدایی تشکیل پاکستان را درک کرد اما گنجینه پربهایی از مقالات به جای گذاشت و تاثیر و نفوذ شاهنامه فردوسی در سند را از دیرباز تا زمان حیاتش تحلیل و بررسی نمود (راشدی: 1369).

به نظر می‌رسد در سه ایالت سند، پنجاب و کشمیر تاثیر شاهنامه فردوسی بیشتر بوده. آثار منظوم و منثور بسیاری به زبان‌های فارسی و اردو و زبان‌های محلی نگاشته شده‌اند. مخاطب این آثار، اردوزبانان پاکستان هستند، آنان که به ایران فرهنگی قدیم تعلق دارند و دلبسته آثار غنی فرهنگی و ادبی فارسی هستند اما فارسی نمی‌دانند، به این دلیل فارسی پژوهان پاکستانی احساس نیاز کردند که به زبان اردو نیز نوشتارهایی در تشریح و تحلیل شاهنامه بنگارند.

جغرافیای حضور و تاثیر شاهنامه فردوسی در پاکستان را با بررسی آثار اردوزبانان درباره شاهنامه فردوسی به خوبی درمی‌یابیم. به نظر می‌رسد برخی مناطق پاکستان از جمله ایالت پنجاب، ایالت سند و ایالت کشمیر بیشتر تحت تاثیر قرار گرفته‌اند. از آنجاکه جنگ بر سر اقتدار بین حاکمان در این سه ایالت بیشتر به وقوع پیوسته و حماسه‌سرایان درباری در ثبت داستان نبردها به اردو و فارسی توفیق داشته‌اند آثار حماسی متعددی در این سه ایالت بوجود آورده‌اند.

در مصاحبه‌هایی که نگارنده با برخی از حماسه‌پژوهان برجسته پاکستان داشته، دکتر فلیحه کاظمی رئیس کرسی فردوسی در دانشگاه ال سی در ایالت پنجاب بر این باور است که به دلیل جنگ‌های فراوان سیک‌ها و رشادت‌های آنان در مقابل انگلیسی‌ها، مردم سلحشور این خطه برای زنده نگه‌داشتن روحیه سلحشوری و جنگ‌آوری به شاهنامه‌خوانی روی آورده منظومه‌های بسیاری به زبانهای پنجابی، اردو و فارسی به تاثیرپذیری از شاهنامه سروده‌اند، در مقابل این نظر، دکتر فائزه مرزا استاد دانشگاه کراچی از ایالت سند، با اشاره به مجموعه مقالات حسام الدین راشدی درباره نفوذ فردوسی و شاهنامه در سند و برشمردن منظومه‌های تقلید شده از فردوسی و انگیزه

سرایش شعر حماسی یعنی جنگ‌های متعدد حاکمان محلی معتقد است ایالت سند در میان ایالات پاکستان، بیشترین تأثیر را از شاهنامه فردوسی پذیرفته است، از طرفی در کشمیر شاهد منظومه طویل و ماندگار شاهنامه کشمیر و دیگر آثار منظوم و منثور تأثیرپذیرفته از شاهنامه فردوسی هستیم.

عوامل تأثیرپذیری فرهنگی مانند همجواری با ایران زمین در جنوب شرقی پاکستان به دلیل همجواری و زد و خوردهایی که در مرز ایران رخ داده است بیشتر از قسمت غربی پاکستان حماسه به زبان اردو سروده شده است، همچنین برخلاف این عوامل تأثیرگذار، با وجود بعد مسافت با ایران و عدم همجواری، در منطقه کشمیر (در شمال پاکستان که نیمی از آن امروزه در هندوستان واقع شده) سروده گرانسنگ شاهنامه کشمیر به تقلید از شاهنامه فردوسی سروده شده است که دکتر فلیحه کاظمی در مقاله «شاهنامه کشمیر» آن را بررسی و تحلیل کرده است.

1) پیشینه پژوهش

از آثار مشابه و نزدیک به پژوهش، می‌توان رساله دکتری خانم فلیحه زهرا کاظمی را برشمرد که در این رساله، پژوهش‌های زبان فارسی درباره شاهنامه و فردوسی در شبه قاره مورد بررسی قرار گرفته اما در پژوهش حاضر، آثار زبان اردو بررسی و رویکرد شناسی شده است، فهرست نویسان شهیری چون عارف نوشاهی و قبل از ایشان پیر حسام الدین راشدی به گردآوری موضوعی پژوهش‌های زبان فارسی و اردو پرداخته‌اند اما تحلیل و رویکرد شناسی آثار از اردو به فارسی کم سابقه است.

از این نظر که تا کنون پژوهش‌های زبان اردو چندان به فارسی تحلیل نشده است، این پژوهش کاری جدید و در نوع خود بدون پیشینه می‌نماید.

2) پرسش‌های پژوهش:

۱. تنوع رویکردها و زاویه نگاه آثار اردوی خلق شده درباره شاهنامه فردوسی چگونه است و کدام رویکردها آثار اردوی بیشتری را در خود جای داده است؟

۲. چرا فارسی پژوهان پاکستانی احساس نیاز کردند که هم به فارسی درباره شاهنامه بنویسند هم به زبان اردو؟ و در پژوهش‌های زبان اردو کدام مولفه‌های شاهنامه را بیشتر مورد بررسی قرار داده‌اند؟

مخاطب این آثار، اردوزبانان پاکستان هستند آنان که به ایران فرهنگی قدیم تعلق دارند و دلبسته آثار غنی فرهنگی و ادبی فارسی هستند اما فارسی نمی‌دانند، به این دلیل فارسی پژوهان پاکستانی احساس نیاز کردند که علاوه بر خلق آثار نوشتاری فارسی، به زبان اردو نیز دست به قلم شوند، اگرچه تعداد آثار اردو در این زمینه کمتر از آثار فارسی است اما همان مقدار کم، بسیار پر خواننده است. دانشجویان زبان و ادبیات اردو و قشر فرهیخته پاکستان حتی عوام الناس، علاقه زاید الوصفی به داستان‌های حماسی و عاشقانه شاهنامه، مثنوی‌های غنایی و ادبیات عرفانی فارسی دارند و با اینکه نابلد فارسی اند اشعاری به زبان فارسی ازبر دارند و با خوانش آنها اظهار لطف و امتنان می‌کنند حتی اسم‌های شاهنامه از قبیل جمشید، سهراب، تهمینه، اسفندیار، ... از اسامی پرتکرار در میان پاکستانی‌هاست.

رویکرد شناسی برخی از پژوهش‌های زبان اردو درباره شاهنامه فردوسی بر اساس پرکاربردترین رویکرد ها: پژوهش‌های زبان اردو درباره ژانر حماسی رویکردهای متنوعی دارد، این نوشتار قصد دارد با بررسی آثار اردوزبانان پاکستان، به تبیین رویکرد و جهت‌گیری آنان درباره شاهنامه بپردازد. با بررسی این آثار دریافتیم تنها چند نمونه به نقد فردوسی و یا نسبت‌دادن برخی اطلاعات غلط به شاهنامه پرداخته‌اند و بیشتر آثار زبان اردو به تحسین فردوسی و شاهنامه‌اش به‌عنوان اثری فاخر و بی‌بدیل قلم فرسوده‌اند.

1- رویکرد تطبیقی (تأثیرپذیری از شاهنامه فردوسی)

شاهنامه در شبه‌قاره و نظیره‌سرایی با تأثیرپذیری از آن سابقه‌ای بس طولانی دارد، سابقه‌ای به قدمت صنعت چاپ در هند، آنگاه که چاپ‌خانه‌های هندوستان در قرن نوزدهم میلادی متن اصلی شاهنامه و ترجمه‌های اردوی آن را منتشر کردند نخستین ترجمه اردوی شاهنامه «سرور سلطانی» خلاصه شاهنامه به نثر بود، از روی این ترجمه در سال 1808 منشی مول چند منظومه کوتاهی به نام «قصه خسروان عجم» سرود که اولین نظیره شاهنامه به زبان اردو به شمار می‌رود و شامل نه هزار بیت است. اوج اشتیاق اردوزبانان به داستان‌های شاهنامه را می‌توان از تعداد چاپ‌ها و بازنشرهای ترجمه‌های فراوان اردو دریافت، «سرور سلطانی» تاکنون سه بار به چاپ رسیده و «قصه خسروان عجم» تنها در قرن نوزدهم میلادی یازده بار چاپ شد. این دو ترجمه منظوم و منثور بنیان و اساس شاهنامه‌پژوهی و رویکرد تطبیقی به شاهنامه را در شبه‌قاره تشکیل می‌دهد و شاهنامه‌سرایی‌های اردوی پس از خود را تحت تأثیر قرار داده است. از میان نظیره‌هایی که با نام شاهنامه به زبان اردو سروده‌اند «شاهنامه اسلام» سروده حفیظ جالندهری از صاحب‌سبک‌ان بنام زبان اردو، بیش از همه شهرت یافته است (مبارک علی: 1933)، برخی از نظیره‌ها عبارتند از: «جنگ‌نامه» (سعادت‌یار خان رنگین: 1815)، «اسلامی شاهنامه» (سید محمد ابراهیم هندی، 1927)، «شاهنامه هند» (سریرکابری مینایی، 1954)، «مثنوی ذوقی موسوم به شاهنامه احمدی» (سیدحسین ذوقی، 1960)، همچنین فتح‌نامه عظیم الدین تتوی در ایالت سند، شاهنامه محمد عالم، آیین اسکندری، پادشاه‌نامه، شاهنامه چترال، همایون‌نامه و ... (برای اطلاع از پیروی‌های شاهنامه و نظیره‌های فارسی در شبه‌قاره، می‌توان به آثار دکتر فلیحه کاظمی مراجعه کرد که تالیفات متعددی در زمینه ادبیات حماسی انجام داده، ایشان حدود پانصد اثر از نظیره‌هایی که در شبه‌قاره به زبان فارسی سروده‌اند را در رساله دکتری خویش تحلیل کرده است). در دهه‌های اخیر و پس از تشکیل کشور پاکستان در زمینه ادبیات تطبیقی آثار بسیاری در میان پژوهش‌های زبان اردو یافت می‌شود، مقالاتی چون «فردوسی اور اقبال، فارسی کے دو عظیم شاعر» (کاظمی و عنبر:) و «تاریخ اسلام کا مظہر یاد ایام اور شاہنامہ فردوسی» (ناہید کوثر:) که به بررسی تطبیقی اثری به زبان اردو با شاهنامه فردوسی پرداخته‌اند، تعدادی از پژوهش‌های آنان درباره تأثیرپذیری هنری و نقاشی مثلاً مینیاتور دوره گورکانیان هند و شاهنامه‌های مصور این دوره از هنر نقاشی ایرانی پرداخته‌اند مانند مقاله‌ای با عنوان «ایرانی مصوری کی مغل مینی ایچر مصوری پر اثرات» نوشته شده که به شرح اثرپذیری هنری با رویکردی تطبیقی می‌پردازد (قریشی: 2005).

پژوهش‌های زبان اردو با رویکرد تطبیقی به شاهنامه را می‌توان در دو دسته جای داد دسته اول نظیره‌هایی که به پیروی از شاهنامه سروده شده‌اند و دسته دوم پژوهش‌هایی که به بررسی تطبیقی این نظیرها و میزان تأثیر پذیری آنها از فردوسی پرداخته‌اند، نظیره‌ها خود به دو دسته تقسیم می‌شوند شاهنامه‌هایی که قهرمانان آن پیشوایان اسلام هستند و دسته دیگر نظیره‌هایی که قهرمانان آن حاکمان محلی هستند؛

1-1- پیشوایان اسلام و حاکمان محلی قهرمانان نظیره‌های شاهنامه

محبوبیت شاهنامه به قدری است که تأثیرپذیری از آن حتی در رزم‌نامه‌هایی که شخصیت هایشان قهرمانان اسلام‌اند دیده می‌شود یعنی تخلیق‌ها و نظیره‌هایی که به سبک و سیاق شاهنامه، به موضوعات مذهبی و دینی پرداخته‌اند، یکی از نظیره‌های بی‌نظیر زبان اردو که به نظر اکثر تحلیل‌گران در توصیف عرصه نبرد عاشورا از شاهنامه فردوسی پیروی کرده رزم‌نامه میرببرعلی انیس مرثیه‌سرای نامدار قرن نوزدهم است که حماسه عاشورا را به سیاق شاهنامه با کلامی اعجاب‌انگیز و ذوقی سرشار و بهره‌گیری از صنایع ادبی بدیع، زیبا و شگرف سرود، او ابتدا غزل می‌سرود اما به حکم پدر رثای حسینی را سرلوحه شعرش قرار داد. تصاویر میدان نبرد و توصیف جنگ‌آوری‌ها در اشعار انیس چنان زنده و ملموس است که پس از گذشت دویست سال هم‌وردی در حماسه به زبان اردو ندارد، برخی نویسندگان با تطبیق موردی اشعار میر انیس با شاهنامه فردوسی به تأثیرپذیری او از شاعر توس پرداخته‌اند

یکی از تحلیل‌گران، خاور نقوی در مقاله «حکیم ابوالقاسم فردوسی اور اُس کا شهره آفاق شاهنامه» با بررسی سخنان برخی منتقدین به تحلیل تطبیقی حماسه سرایی میر انیس و تأثیرپذیری او از فردوسی پرداخته اما در هدف و غایت هر یک را دارای رجحانات خاص خود می‌داند: «بعضی از پژوهشگران تأثیرات شاهنامه فردوسی بر اشعار انیس را بررسی کرده، میر انیس را فردوسی زبان اردو نامیده‌اند و همچنین فکر و فن فردوسی را با این شاعر اردو زبان مقایسه کرده‌اند اما دو متفکر بزرگ را نمی‌توان از نظر فکری و فن باهم مقایسه و موازنه نمودند؛ چرا که هر نویسنده بزرگی رجحانات و نقطه‌نظرهای خاص و اسلوب منحصر به فرد خود را دارد موضوعات و هدف فردوسی و میر انیس از یکدیگر متفاوت است. اگرچه انیس در برخی تصاویر میدان نبرد، توصیفات فردوسی را راهنمای خود قرار داده است، ولی خلاقیت میر انیس و کمالات ذاتی او در آثارش گاه‌ها منحصر به فرد است» (نقوی: 2011)

میر انیس برای دسترسی نزدیک به حرب و احاطه به زوایای مختلف جنگ، به‌طور عملی به تعلیم جنگ‌آوری پرداخته بود تا صحنه‌های حماسی را به بهترین نحو به تصویر کشد. او روش‌های جنگ‌آوری عرب و عجم را با یکدیگر در آمیخت و زمین سخن را آسمان پرواز خود ساخت. با افزودن عوامل و فرهنگ، خوان تکلم را آراست و رنگ دیگری به آن داد، با این حال آنان که شاهنامه فردوسی خوانده‌اند در رزم‌نامه انیس تأثیرات شاهنامه را در توصیف مناظر جنگ به وضوح مشاهده می‌کنند.

دیگر حماسه سرای مشهور زبان اردو میرزا سلامت علی دبیر است که شعر رثایی واقعه عاشورا را کم نظیر سروده است، در مقاله «رزم‌نامه انیس و دبیر، تقابلی تعارف» نویسنده با تطبیق موردی دو رزم‌نامه زبان اردو را به خوبی تشابه‌یابی کرده و به تأثیرپذیری این دو حماسه سرا از شاهنامه فردوسی اشاره کرده است (حسین شاه: 2008).

گروه دیگری از نظیره ها، جنگ‌نامه‌هایی هستند که به سبک شاهنامه سروده شده‌اند و قهرمانانش حاکمان محلی اند، این نوع رزم‌نامه‌ها اغلب در سه ایالت سند، پنجاب و کشمیر که نبردهای حاکمان محلی برای دستیابی به قدرت در آنها جریان داشته سروده شده‌اند، رزم‌نامه‌هایی که در ایالت کشمیر سروده شده اغلب به زبان فارسی است و در نوشتارهایی به زبان فارسی نیز تحلیل شده‌اند (ر.ک مقالات شاهنامه کشمیر و سوغات حماسه از توس تا کشمیر نوشته فلیحه زهرا کاظمی) در این قسمت به شاهنامه پژوهی در دو ایالت پنجاب و سند می‌پردازیم؛

2-1 پیشینه شاهنامه‌پژوهی در ایالات سند و پنجاب و رویکرد تطبیقی پژوهش‌های زبان اردو به نظیره‌های سندی و پنجابی

«فتحنامه سند» (چچ‌نامه) نام ترجمه اردوی کتاب فتوح السند و الهند یا منهاج المسالك که در قرن سوم به زبان عربی نوشته شده و در قرن ششم به قلم علی بن حامد کوفی به فارسی برگردانده شده است، در نوشتارهای اردو زبانان این ترجمه را اولین اثر حماسی در این منطقه دانسته‌اند. آثار شاعران کلاسیک خصوصاً شاهنامه فردوسی مورد علاقه خاص و عام بوده از این رو تاریخ‌های منظوم و رزم‌نامه‌های بسیاری به سبک شاهنامه در ایالات سند و پنجاب سروده شده است.

تأثیرپذیری از حماسه‌سرایی فردوسی در ایالت سند پیشینه‌ای به قدمت حضور زبان فارسی در این منطقه دارد؛ ایالت سند در جنوب شرقی ایران واقع است و از دوره هخامنشیان (۵۵۹ قبل از میلاد) و سپس مدتی در عصر غزنویان تحت سلطه فرمانروایان ایران بوده است و قرن‌ها دو ایالت سند و پنجاب مهد شعر و ادب فارسی بوده شاعران فارسی سرای بسیاری را در دامان خود پرورش داده‌اند. در تذکره مقالات الشعرا از قانع تتوی شاعرانی از ایالت سند را نام برده که شاهنامه را از برداشته‌اند. شاهنامه خوانی در محافل فرمانروایان تالپور (1786- ۱۸۴۶ میلادی) رایج بوده و در روزهای جنگ پادشاهان به خوانش اشعار حماسی شاهنامه فردوسی مداومت می‌کردند چرا که سبب افزایش شجاعت و شهامت مردم برای جنگ و دفاع از میهن می‌شد. دکتر برنس در کتاب دیداری از دربار سند که حدوداً سال 1831 به ایالت سند سفر کرده بود نوشته است میرفتح علی حاکم سلسله تالپوران شاعر دربار را بر این گماشت که فتوحات تالپوران را مانند شاهنامه به شعر درآورد.

پیر حسام‌الدین راشدی یکی از محققان برجسته زبان سندی و فارسی در مقاله‌ای به زبان سندی، هفده مثنوی را برشمرده که به تقلید از شاهنامه به زبان فارسی در ایالت سند سروده شده، در کتاب مجموعه مقالات راشدی به تأثیر و نفوذ فردوسی و شاهنامه بر سند می‌پردازد. (انجم حمید: 2011) عارف نوشاهی نکاتی درباره شاهنامه بیان کرده و سخن گفتن در شاهنامه درباره سند و سندیان را قدیمی‌ترین مرجع درباره سند می‌داند نیز یادآور شده در این خطه به پیروی از شاهنامه آن‌قدر به فارسی و اردو، مثنوی نوشته شده است که در جای دیگر چنین سراغ نداریم. مثنوی قدیمی اردو با نام «سحر البیان» (نوشته میرحسن) به تقلید از شاهنامه فردوسی در سند سروده شده و آخرین شاعر از سلسله شعرای تقلیدکننده از فردوسی ابوالاثر حفیظ جالندهری شاعر «شاهنامه اسلام» نیز از سرزمین سند است. (نوشاهی:) همچنین فائزه میرزا در مقاله‌اش «ظفرنامه، حماسه‌ای به سبک شاهنامه فردوسی» به بررسی تطبیقی شاهنامه فردوسی با «ظفرنامه» سروده ثابت علی شاه پرداخته و تأثیرپذیری شاعر ایالت سند از فردوسی را در تصویر کشیدن مناظر جنگ بررسی کرده است. (فائزه میرزا: 2023)

مثنوی سیف‌الملوک و تأثیرپذیری شاعر پنجابی زبان از شاهنامه فردوسی موضوع مجموعه‌ای از پژوهش‌های تطبیقی است که به زبان اردو نوشته شده است. در مقاله «شاهنامه فردوسی اور مثنوی سیف‌الملوک کی بزمیه شاعری» ثمینہ بتول با ترجمه برخی از اشعار مثنوی سیف‌الملوک از زبان پنجابی به زبان اردو به بیان اثرپذیری آن از شاهنامه فردوسی پرداخته و از زوایای مختلف زیبایی‌شناسی و بلاغت و مؤلفه‌های حماسی این مثنوی را با اشعار و شخصیت‌های شاهنامه فردوسی مقایسه می‌کند و به زیبایی و با مهارت موارد اثرپذیری محمد بخش شاعر پنجابی را در شخصیت‌پردازی و سبک شعر بررسی می‌کند، نوع عشق ورزی و آرایش محفل بزم را در کشاکش رزم‌گاه در هر دو شاهکار، با بررسی تطبیقی داستان زال و رودابه و داستان عشق شهزاده سیف‌الملوک به زیبایی تحلیل کرده است. (ثمینہ بتول: 2017) همچنین رساله «مطالعه تطبیقی شاهنامه فردوسی با جارج نامه ملا فیروز پاریسی» نوشته ماریه عمر یکی از مفصل‌ترین پژوهش‌ها در زمینه رویکرد تطبیقی شاعران خطه پنجاب است که جورج‌نامه ملا فیروز پاریسی با رویکردی تطبیقی با شاهنامه فردوسی مورد مطالعه قرار داده است. «پنجابی ادب پر شاهنامه کے اثرات» (میان محمد، 1998) نام مقاله دیگری است که تأثیرات شاهنامه را بر ادبیات زبان پنجابی به زبان اردو بررسی کرده است.

2- رویکرد انتقادی به شاهنامه

در باب ملی‌گرایی فردوسی و برتری زبان عربی بر زبان فارسی که در برخی از پژوهش‌های اردو دیده می‌شود، دلیل غالب این است که در قرون اولیه تسلط مسلمانان بر کشورهای غیرعربی، نویسندگان و دانشمندان ایرانی کتاب‌های خود را به زبان عربی نگاشته‌اند، در جواب نظر اردوزبانان در باب اینکه حماسه فارسی برگرفته از حماسه عربی است، می‌دانیم عرب‌ها نمی‌توانند حماسه داشته باشند؛ چراکه ساختار جامعه عرب قومی‌ست در نتیجه عرب‌ها ملحمه (شرح دلاوری‌های بزرگ قوم) دارند درحالی‌که حماسه برای یک ملت اتفاق می‌افتد و حماسه ویژه مردمی است که ملیت دارند. در باب اینکه دلیل سرودن شاهنامه حفظ زبان فارسی است این نظر نیز قابل تردید است که تنها به‌خاطر حفظ زبان فارسی و دفع تسلط زبان عربی بر آن، فردوسی شروع به حماسه سرایی کرده چراکه دلیل سرودن شاهنامه تنها حفظ زبان فارسی نبوده بلکه فقط یکی از ویژگی‌ها و کارکردهای شاهنامه حفظ و ترویج زبان اصیل فارسی است.

در رابطه با استفاده از واژه افسانه برای داستان‌های شاهنامه، این داستان‌ها و واقعیات قبل از فردوسی بوده و فردوسی آن‌ها را از تخیل خود نساخته است، بلکه فقط آنها را به نظم کشیده، ما می‌دانیم بسیاری از شخصیت‌های شاهنامه سرداران اشکانی هستند، برخی به دوره کیانی تعلق دارند، همچنین در زمان ساسانیان خدای‌نامک نگاشته شده و بر زبان‌ها رایج شده... و بسیاری قرائن دیگر دلیل بر این است که این روایات در بین مردم ایران وجود داشته و بعدها فردوسی تنها آن‌ها را به نظم کشیده است. همچنین در نقد استفاده از واژه افسانه به جای اسطوره می‌توان به کتاب مهرداد بهار رجوع کرد که تفاوت اسطوره و افسانه از دیدگاه پژوهشگران معروف تبیین شده است، البته این موضوع را اگر در نظر بگیریم که واژه افسانه در اندیشه اردوزبانان همان اسطوره را تداعی می‌کند و به نظر می‌رسد معنایی فراتر از آنچه در فارسی به آن اطلاق می‌شود را در زبان اردو دربر می‌گیرد، دیگر این اشکال وارد نیست.

نوع دیگری از رویکرد انتقادی در سال‌های ابتدایی استقلال پاکستان در مجله اورینتل کالج میگزین لاهور به چشم می‌خورد که مقالاتی انتقادی توسط جمعی از نویسندگان این مجله درباره دیباچه‌های شاهنامه و منابع کهنی که فردوسی از آن‌ها در سرودن شاهنامه یاری جسته است از جمله «شاهنامه کے مندرجات اور ان کی نوعیت» (اورینتل کالج میگزین، ۱۹۴۹)، «دیباچه قدیم شاهنامه»، «شاهنامه کی تصنیف»، ... برخی از تألیفات زبان اردو در شب‌قاره درباره شاهنامه را نقد کرده، درباره نظرات آنان تردید کرده‌اند. از جمله کسانی که پژوهش‌های او توسط این مجله نقد شده است، مقالات حکیم شمس الله قادری در مجله «اردو» درباره شاهنامه است که در سال ۱۹۲۷ در هند منتشر شده است، همچنین مقاله «طوسی دور کی نظمیں» در این مجله به بررسی شیوه سرایش اشعار در دوره حیات فردوسی می‌پردازد، سبک شاعران، مضامین و تفکرات و فضای حاکم بر شعر آن دوره را با نمونه اشعار به اجمال بررسی می‌کند. همچنین در بخشی از این نوشتار به مآخذ شاهنامه اشاره می‌کند. خاور نقوی نیز در مقاله خود به مآخذ شاهنامه و شاهنامه‌های قبل از فردوسی اشاره می‌کند. اوستا و کتاب‌های مرتبط با اوستا را منابع شاهنامه دانسته می‌گوید فردوسی برای به دست آوردن این منابع صعوبت سفرهایی را بر جان خرید که این نظر جای تأمل دارد و نشان از عدم دسترسی نویسنده مقاله به منابع درست دارد.

همچنین در مقاله «شاهنامه شاکار فردوسی» (نسرین اختر/ زابده ناز، 2009) به شخصیت‌شناسی فردوسی و تمجید از شاهنامه به عنوان شاهکار فردوسی پرداخته است، اما در برخی موارد در تبیین زوال زبان فارسی در دوره نگارش شاهنامه، با رویکردی انتقادی تصویری نامناسب از زبان فارسی ترسیم کرده که جای تأمل و تنقید دارد، نویسنده در قسمتی از مقاله می‌نویسد: «(ترجمه از زبان اردو) ایرانیان زبان علمی و ادبی شناخته شده‌ای نداشتند به این دلیل آن‌ها از طبع آزمایی (با عرب‌ها) محروم بودند و مجبور بودند که تألیفات خود را به زبان عربی بنویسند، علاوه بر این عوامل دیگری نیز باعث رواج زبان عربی بود که به گفته دکتر ذبیح الله صفا زبان عربی زبان دینی و سیاسی کشور مقرر شده بود و هرکس می‌خواست وارد امور سیاسی و اجتماعی شود باید مسلط به زبان عربی بوده با کتابت و تکلم زبان عربی آشنا می‌شد به همین دلیل تعداد بسیاری از ایرانیان شروع به سرودن اشعار به زبان عربی کردند، از دلایل مهم دیگر سپاهیان عرب و مهاجرین بودند که به ایران آمده و با ایرانیان تعامل داشتند.» در این نوشتار نسرین اختر در قسمتی از این اظهاراتش به کتاب ذبیح الله صفا استناد می‌کند که به نظر می‌رسد آن قسمت‌هایی که بعدها توسط دکتر صفا تصحیح شده ممکن است به دست نویسنده نرسیده باشد. ایشان با نقل قول از دکتر ذبیح الله صفا و سید ابوالقاسم انجوی در کتاب مردم و شاهنامه، عزت نفس خدشدار شده ملت ایران را در تسلط اعراب نمایان‌ترین دلیل و منشا سرایش شاهنامه و زنده کردن وقار زبان فارسی و تاریخ درخشان فرهنگی ایرانیان می‌داند و می‌گوید: «چنانچه از قرائن به دست می‌آید ایرانیان در مقابل حمله بیگانگان همیشه در مقام دفاع برخاسته‌اند، مخصوصاً زمانی که عرب‌ها بر این سرزمین حکمفرما شدند از آن زمان تا عهد دقیقی و فردوسی همواره ایرانیان برای حفظ بقای خود کوشیده‌اند، تازیانه‌های استبداد بیگانه، جاه و جلال گذشته ایرانیان را جلوی چشمان آنان مجسم کرده بود و رفته رفته در وجود ایرانیان جنبشی عظیم جان گرفت که باعث احیای تاریخ ملی و به خصوص دوران پهلوانی ایران شد. ایرانیان احساسات و عواطف خود را در قالب شعرهای حماسی سروده و بالاخره در زمان فردوسی جنبش آزادیخواه ایرانیان در دوره حکومت عرب‌ها رونما شد فردوسی با نگاه دوراندیش

خود پیشرفت روزافزون غزنویان و معدوم شدن حس ایران‌پرستی توسط آنان را به چشم خود دید و خطر را احساس کرد، شروع به نوشتن شاهنامه کرد.» (نسرین اختر: 2009).

2-1- مغالطات شاهنامه‌پژوهان در پاکستان

آنچه اردوزبانان اشتباه از شاهنامه برداشت کرده‌اند یا به عنوان نقدی بر شاهنامه نوشته‌اند در این بخش گردآورده‌ایم تا به بررسی آنچه در اندیشه اردوزبانان با پژوهش‌های فارسی درباره شاهنامه مغایرت دارد بپردازیم. در مقاله «شاهنامه فردوسی اور مثنوی سیف الملوک کی بزمیه شاعری» ثمینہ معتقد است که فردوسی دوگانگی عقاید زرتشتی و وحدانیت اسلام را به نحو ماهرانه‌ای چنان درهم آمیخته و عرضه داشته که این مغالطه در نظر خواننده شاهنامه زیبا و نیکو می‌نماید، او می‌گوید از آنجا که فردوسی مسلمان و یگانه پرست است اصول اهورامزدا را رنگ خدایی داده و هنرمندانه مجوسیت را در نظر مسلمان زیبا جلوه داده است. (ثمینہ بتول: 2017)

عارف نوشاهی درباره اطلاعات اشتباهی که در رابطه با شاهنامه و فردوسی به اردوزبانان رسیده در مقاله «فردوسی طوسی اور اس کا آفاقی شاپکار شاہنامہ» از روایت‌های فراوان و متضادی که درباره فردوسی در بین اردوزبانان بر سر زبان‌هاست انتقاد کرده و می‌گوید: «درباره حالات زندگی حکیم توس آن قدر افسانه و روایت وجود دارد که از میان همه آن‌ها جستجوی شرح حال واقعی او دشوار است. نام اصلی او معلوم نیست. آنچه ثابت است کنیه او یعنی ابوالقاسم و تخلص او یعنی فردوسی است او به همین نام در صفحات تاریخ ادب جاویدان است. نوشاهی با مبنا قرار دادن اشعار شاهنامه، معلوماتی در اختیار خواننده قرار می‌دهد، تاریخ ولادت شاعر را 941 تا 942 میلادی و تاریخ وفاتش را 1020 تا 1025 می‌داند و سن او را در زمان تاجگذاری سلطان محمود 55 سال می‌داند.

نقد نظر اردوزبان توسط اردوزبان دیگر در برخی مقالات دیده می‌شود، به‌طور مثال در مقاله «فردوسی احوال و آثار کی آئینہ مین» (نقوی: 2011) شاهنامه را هم‌تراز مهابهارات هند و ایللیاد ادیسه یونان قرار داده است. در رد این نظر، دکتر پروین در مقاله «شاهنامہ فردوسی پر ایک نظر» به این نظریه اعتراض دارد که شاهنامه را با ایللیاد ادیسه و حکیم طوس را با هومر مقایسه کنند و آن را شایان شان شاهنامه نمی‌داند؛ چراکه ایللیاد روایت جنگ پنجاه‌وشش روزه یونان و ترواست و فقط هشتصد بیت را شامل می‌شود؛ درحالی‌که شاهنامه حیطه تاریخی بسیار وسیع داشته انبوهی از جنگ‌ها، اساطیر اقوام گوناگون و موضوعات مختلف را دربر می‌گیرد و وسعت جغرافیایی آن از هندوستان تا چین و روم گسترده است و شصت هزار بیت دارد.

جریان‌سازی درباره مذهب فردوسی و هجویه فردوسی توسط حافظ محمود شیرانی که در پژوهش‌های پس از او فراوان دیده می‌شود در مقاله مفصل فرزندش مظهر محمود شیرانی با نام «پروفسر حافظ محمود شیرانی بحیثیت فردوسی شناس» (مظهر محمود شیرانی، 2012) با تعدیل و روایت دیگری بیان شده است. مطالعه اندیشه دو شاهنامه‌پژوه پدر و پسر (نوه) جالب توجه است. پدر تا ابتدای تشکیل پاکستان و پسر طی سال‌های بعد استقلال پاکستان، اینکه پسر حافظ محمود شیرانی از نظر پدرش عدول کرده نشانه این است که مطالعات شاهنامه‌پژوهی پویا و در حال پیشرفت بوده، ثابت نمانده بلکه تغییر کرده حتی از پدر به پسر، البته ناگفته پیداست که به اذعان عارف نوشاهی، استاد نامور دانشگاه پنجاب حافظ محمود شیرانی تحقیقات عمیقی در رابطه با شاهنامه و فردوسی داشته

که نظیر آن را نمی توان یافت، جلد چهارم مقالات اردوی شیرانی که سال 1968 توسط مظهر شیرانی گردآوری و منتشر شده، شامل نه مقاله در باب شاهنامه است بنا بر اهمیت، این اثر دوبار به فارسی برگردانده و چاپ گردید؛ سال 1977 در کابل توسط عبد الحی حبیبی با نام چهار مقاله بر فردوسی و شاهنامه و بار دیگر در 1992 در تهران توسط شاهد چوهدری با نام در شناخت فردوسی منتشر گردید.

2-2- مجموعه‌ات درباره فردوسی

معمولاً شاهنامه‌پژوهان اردو زبان آغاز نگارش شاهنامه را تهیه جهیزیه برای تنها دخترش می‌دانند و ابیاتی که در مدح و سپس هجو محمود غزنوی سرود و بقیه ماجرا، که میزان صحت هریک جای تردید دارد. به‌طور نمونه خاور نقوی درباره سرودن اشعار هجو توسط فردوسی چنین می‌نگارد: «وقتی فردوسی از دست گماشتگان سلطان محمود گریخته و به طبرستان پناه می‌برد، در هجو سلطان محمود ۱۲۰ بیت شعر می‌سراید. حاکم طبرستان برای هر بیت هزار درهم به او می‌دهد و اشعار هجو را از او خریده و آن‌ها را از بین می‌برد. شش بیت از این اشعار هجو باقی مانده است.» در نهایت نویسنده برای ختم به خیرکردن ماجرا و ابراز پشیمانی محمود غزنوی از خلف عده اش در حق فردوسی و نقش حسن میمندی در پشیمانی سلطان را کلیدی دانسته می‌نویسد: «هنگام یکی از جنگ‌های سلطان محمود وزیر نیک‌اندیش احمد بن حسن میمندی این شعر را می‌خواند: (اگر جز به کام من آید جواب منو گرز و میدان و افراسیاب) سلطان محمود می‌پرسد این شعر نغز از کیست؟ او جواب می‌دهد فردوسی و محمود از کرده خود پشیمان می‌شود.» (نقوی: 2011)

یکی از دلایل وجود اطلاعات غلط در شاهنامه‌پژوهی در پاکستان شاید این باشد که از منابع روز شاهنامه پژوهی استفاده نمی‌شود، به دلیل مأنوس بودن با انگلیسی از منابع قدیمی انگلیسی درباره شاهنامه بیشتر استفاده می‌شود. احتمال دیگر این که شهرت جامی و آثارش باعث رواج اندیشه جامی درباره فردوسی شده است، آنچه ملا جامی درباره هجو سلطان محمود در بهارستان بیان کرده در اکثر پژوهش‌های زبان اردو نیز به چشم می‌خورد. نکته نمایان دیگر اینکه شاهنامه‌پژوهان پاکستان از منابع قدیمی و مخصوصاً شرح‌ها و ترجمه‌های انگلیسی استفاده می‌کنند و این بیت (بسی رنج بردم در این سال سی) در بیشتر مطالعات فردوسی‌پژوهان به چشم می‌خورد درحالی‌که طبق پژوهش‌های اخیر می‌دانیم این بیت از فردوسی نیست و الحاقی به شاهنامه است.

3- رویکرد تاریخ ادبیاتی

مطالعه سیر شاهنامه‌پژوهی در ایالت های پاکستان نشان می‌دهد یکی از رویکردهای اولیه به شاهنامه فردوسی رویکرد تاریخ ادبیاتی است، از تشکیل کشور پاکستان هفتادوشش سال می‌گذرد اما قدمت زبان فارسی و حضور شاهنامه در ایالاتی که اکنون پاکستان نامیده می‌شود به سالیان دراز قبل از تشکیل پاکستان برگردد. فردوسی‌پژوهان به نامی چون حافظ محمود شیرانی و شیخ محمد اقبال (هم دوره و هم نام اقبال لاهوری) طلایه‌داران شاهنامه‌پژوهی در ایالت پنجاب در بحبوحه سال‌های استقلال پاکستان بودند. اگرچه سالی قبل از استقلال پاکستان شیرانی داعی اجل را لبیک گفت اما آثار گرانسنگ او تا به امروز مورد توجه دوستداران شاهنامه و از منابع اصلی شاهنامه‌پژوهی در پاکستان به شمار می‌آید. شاهنامه‌پژوه و ایرانشناس شهیر ایالت سند حسام الدین راشدی نیز اگرچه تنها دو دهه ابتدایی

تشکیل پاکستان را درک کرد اما گنجینه پربهایی از مقالات فارسی و فردوسی‌پژوهی به جای گذاشت و تأثیر و نفوذ شاهنامه فردوسی در سند را از دیرباز تا زمان حیاتش تحلیل و بررسی نمود. رویکرد اصلی این سه ادیب نسبت به شاهنامه غالباً رویکرد تاریخی ادبیاتی بوده است. می‌توان گفت این سه اندیشمند چراغ راه شاهنامه‌پژوهی را در پاکستان برافروختند، با بررسی زمان نگارش آثار زبان اردو در پاکستان، می‌توان نتیجه گرفت دهه اول تشکیل پاکستان و دو دهه اخیر بیشتر پژوهش‌های حماسی درباره شاهنامه انجام شده است.

آثاری که در دو دهه اخیر به شاهنامه پرداخته‌اند شخصیت‌شناسی موشکافانه‌تری انجام داده‌اند، کتاب فردوسی سسه حافظ شیرازی تک، که در راستای معرفی چهار شاعر برجسته فارسی، به زندگی‌نامه و شرح حال آنان پرداخته است با فردوسی و شاهنامه اش آغاز می‌شود، اگرچه زاویه نگاه شیرانی و شیخ اقبال به شاهنامه در این کتاب نیز به وضوح مشاهده می‌شود اما کمابیش نگاهی نیز به مطالعات جدید داشته است (ساجد امجد: 2017).

مقاله «حکیم ابوالقاسم فردوسی اور اس کا شهره آفاق شاہنامہ» (خاور نقوی، 2011) اگر رویکردی تلفیقی به شاهنامه داشته و از زوایای گوناگون به آن پرداخته است اما روح شخصیت‌شناسی و تمجید از مقام فردوسی با قطعه شعری که در مدح فردوسی سروده است، هدف این شاهنامه‌پژوه را در تحسین و تعظیم مقام شاهنامه برجسته تر می‌کند.

در جای جای این مقاله نویسنده به تحسین فردوسی پرداخته است، در تمجید از پاسداشت زبان فارسی می‌گوید: تنها این نکته شاهد مثالی برای خلاقیت منحصر به فرد فردوسی است که او تنها در مواردی بسیار شاذ و نادر که ناگزیر بوده از الفاظ عربی استفاده کرده است و در دیگر موارد واژگان اصیل فارسی را که در زبان عامه به کار می‌رفته به صورت سلیس و روان برای اظهار تفکرات و اندیشه‌ها و احساسات خود و برای به تصویر کشیدن مناظر به صورت خارق‌العاده‌ای عرضه داشته است. عمق شاهنامه برای نویسنده چنان شگرف می‌نماید که تحقیقات گذشته و حال را همچنان ناکافی می‌شمارد و می‌گوید: «هر بخش شاهنامه از نظر فکر و فن مجال بحث در مضامین دامن‌داری را می‌طلبد.» صاحبان نقد و نظر زوایای مختلفی از شاهنامه را بررسی کرده‌اند اما همچنان سلسله تشریح و توضیح شاهنامه ادامه دارد.

گروهی از اهل قلم نکاتی را که از بازدید مقبره فردوسی در توس برایشان جالب توجه بود، همچنین مجسمه‌هایی که از این شاعر نامدار در طول سفرشان به ایران دیده‌اند در راستای شخصیت‌شناسی فردوسی در مقاله «فردوسی کا مقبره اور مجسمہ» (نویسندگان نشریه: 2005) به رشته تحریر درآورده‌اند.

3-1- تحسین و تمجید و نمایاندن جایگاه فردوسی و شاهنامه:

نسرین اختر اشعاری در بزرگداشت فردوسی از زبان شاعران شبه‌قاره و شاعران ایرانی اشعاری جمع‌آوری کرده و بدین وسیله به مقام و منزلت شاهنامه و حکیم توس ادای احترام می‌کند. او تأثیر‌پذیری شاعران و سخنوران شبه‌قاره از شاهنامه را اینگونه بیان می‌کند: «شاهنامه فردوسی آیین‌دار هویت ملی ایرانیان است که نه تنها دل‌های ایرانیان را مالا مال از جوش و خروش کرده است بلکه در میان دانشوران کشور های اطراف نیز لانه کرده است. شعرای فارسی

زبان شبه‌قاره پاک و هند نیز از شاهکار فردوسی تأثیرات فراوان پذیرفته‌اند و به پیروی از او شاهنامه‌ها نوشته‌اند اما همه هزاران شاعر فارسی‌گو شبه‌قاره که بر وزن شاهنامه فردوسی منظومات زیادی سروده‌اند به ناتوانی خود در مقابل فردوسی اقرار داشتند این نویسنده در مقاله خود به کاربردن واژگان خالص فارسی در آن زمان که عربی زبان برتر می‌نمود- را توسط فردوسی می‌ستاید و مقام ممتاز آن را در میان آثار گرانسنگ کهن جهان چنین بیان می‌کند: «شاهنامه را نمونه کامل زبان فارسی قرار داده‌اند. با مطالعه دقیق شاهنامه فردوسی به این نکته می‌رسیم که شاهنامه تنها شعر حماسی فارسی نیست بلکه در این کتاب حکمت و دانایی پند و نصیحت و واقع‌نگاری و منظره‌نگاری و توصیفات دقیق به بهترین نحو یافت می‌شود و این خصوصیتی است که شاهنامه را در بین دیگر آثار ممتاز می‌نماید.» همچنین در شاهکار بودن شاهنامه می‌گوید: «اپنی سادگی بیان، فصاحت کلام، متانت و زیبایی الفاظ کی بدولت فردوسی دنیا کے عظیم شعراء میں شمار ہوتا ہے۔ اور اس کی شایکار تالیف شاینامہ بھی فارسی ادبیات کا شایکار نمونہ ہے.» (به دلیل ویژگی‌هایی نظیر سادگی بیان، متانت و زیبایی، فردوسی در شمار شاعران بزرگ دنیا حائز اهمیت می‌باشد و شاهکار شاهنامه نیز شاهکار ادبیات فارسی است.)

در مقاله «فردوسی طوسی اور اس کا آفاقی شایکار شاینامہ» نوشاهی راز شکوه شاهنامه در دل ایرانیان را این می‌داند که در سرودن شاهنامه هیچ فرصتی را از وطن‌دوستی و ایران‌پرستی از دست نداده است و بیان شاهنامه چنان روان و سهل است که با گذشت هزار سال از تصنیف شاهنامه هنوز برای همگان قابل فهم است، سپس به وصف فردوسی و جاوید بودن اثرش در فارسی و اردو و تقلید از آن در حماسه‌سرایی پرداخته: «شهرت خالق شاهنامه نه تنها به عنوان ستاره‌ای روشن از آسمان ادب فارسی است بلکه در زمره شعرای مشهور جهان به شمار می‌رود. او بزرگ‌ترین شاعر حماسه‌سرایی فارسی است که تاکنون در سرودن اشعار حماسی فارسی و اردو از او تقلید می‌شود. او چهار واژه ایران، فارسی، شاهنامه و فردوسی را لازم و ملزوم یکدیگر قرار می‌دهد و به وصف تصاویر بدیع شاهنامه و چگونگی پویایی و شورانگیزی این تصاویر در ذهن خواننده می‌پردازد. نماد صلابت و بهادری در شاهنامه یعنی رستم را با ابیاتی در شأن او بیان می‌کند. (عارف نوشاهی: 2005)

4- رویکرد تحلیلی تفسیری در بررسی مؤلفه‌های حماسی

سلسله مقالاتی از شیخ محمد اقبال با نام‌های «شاهنامه میں طلوع آفتاب» (1953)، «شاهنامه کے مأخذ»، و دیگر مقالاتش، همچنین کتاب تاریخ رزمیات ایران از همین نویسنده (1930)، مقاله «عورت کا مقام شاینامہ فردوسی کے حوالے سے» (رشیده حسن: 2005) نمونه‌هایی از پژوهش‌هایی هستند که با رویکرد تحلیلی به شاهنامه فردوسی پرداخته‌اند. در کتاب تاریخ رزمیات ایران، محمد اقبال شیخ (2009) با رویکردی تحلیلی تفسیری به معرفی و تبیین ادبیات حماسی ایران و شاهنامه فردوسی به زبان اردو پرداخته است، این کتاب که در واقع مجموعه مقالات اقبال شیخ است طی سال‌های متعددی در مجلات پاکستان به زبان اردو حول یکی از موضوعات شاهنامه بحث و تبیین شده است. همچنین در مقاله «شاینامہ فردوسی اور مثنوی سیف الملوک کی بزمیہ شاعری» اگر چه رویکرد غالب در این مقاله رویکرد تطبیقی است، نویسنده با رویکردی تحلیلی فردوسی را از نظر شعر، تاریخ و اخلاق، محور ادبیات دوران غزنوی دانسته به تصویر کشیدن تاریخ گذشتگان و عینی کردن مآوقع پادشاهان را که به وسیله این

داستان‌ها زبان و فرهنگ ایرانیان و فرهنگ و تہذیب ایران و زبان فارسی را احیا کرده نشانهٔ اوج وطن‌دوستی فردوسی و تبحر او در ادب فارسی عنوان کرده است. (ثمینه بتول: 2017)

4-1- رویکرد تحلیلی تفسیری به جایگاه خرد در شاهنامه:

خاور نقوی معتقد است با مطالعه شاهنامه توحید رسالت عقل خرد علم حکمت اخلاق مروت پند و نصیحت تہذیب و آداب و رسوم معاشرت و معیشت عشق و محبت... از کارنامه حکمرانان و پهلوانان تا شیوه زندگی عوام الناس همه و همه به صورت تصویری زنده در جلوی چشمان خواننده قرار می‌گیرد. قسمت عمده‌ی نوشتار نقوی در باب تجلیل خرد در شاهنامه است، او ذکر خرد ورزی را در مطلع شاهنامه به این دلیل می‌داند که عقل و خرد راهی برای شناخت معبود است و آن هم تا نام پروردگار رسایی دارد و از این برتر، اندیشه آدمی برنگردد. اندیشهٔ خردورزی فردوسی را لایق تحسین می‌شمارد و می‌گوید: در نظر فردوسی کامیابی انسان در کشف حقایق زندگی و رستگاری دنیا و آخرت او در گرو رهنمایی عقل است و عزت و عظمت نیز با خرد ورزی قرین است (نقوی: 2011).

نگارنده در جایی دیگر مضامین شاهنامه را حب‌الوطنی، انسان دوستی شجاعت و فتوت فداکاری و جان سپاری از دل احسان گذشت قناعت بی‌ثباتی دنیا و زوال غم‌ها می‌داند و می‌گوید: اگر بگوییم شاهنامه فردوسی بهترین شاهکار تاریخ ادبی و اخلاقی و حماسی زبان فارسی است راه اغراق نبی‌موده‌ایم.

4-2- رویکرد تحلیلی تفسیری به جایگاه زن در شاهنامه:

در مقاله «عورت کا مقام شاہنامہ فردوسی کے حوالے سے» نویسنده ابتدا مقام و منزلت زن را از دیدگاه تاریخی بررسی کرده محترم و مقدس بودن زن از ابتدای آفرینش و هم‌طراز بودن او با آدم در بهشت را بیان می‌کند. دوشادوشی او با مردان در جامعه علاوه بر امور خانه را نشان ارج و والایی زن می‌داند. پس از بیان سیمای زن در قصاید و غزلیات و افکار سخن‌سرایان، اذعان می‌کند که فردوسی اولین شاعری است که مقام والا و عظمت زن را ثابت کرده و او را در شاهنامه مظهر توانایی معرفی می‌کند: «در شاهنامه، فردوسی زن را وجودی حامل صفات عالی معرفی کرده است. به قول فردوسی، زن نوابغ روزگار را زندگی بخشیده و منبع الهام برای مرد است. او بارها اعتراف کرده است که همین شخصیت جاذب زن و وفاداری و محبت اوست که نه تنها باعث دلگرمی مرد در به سر کردن مسائل مهم زندگی می‌شود و او را همت والا داده و به میدان کارزار می‌فرستد، بلکه مرد را تا هم کنار شدن با کامیابی نیز مددکار است. به‌طور کلی محور تمام فعالیت‌های مرد زن است چرا که او نه تنها شریک زندگی مرد است بلکه تلخ‌کامی مرد را نیز با محبت خود به شیرینی تبدیل می‌کند و او را از غم و اندوه نجات می‌دهد. با نگاهی به شاهنامه درمی‌یابیم که زن در تمام امور زندگی دمساز و معاون مرد است چه در میدان جنگ و جدل باشد یا مراحل عشق یا تربیت فرزند.» سپس نویسنده سراغ زنان تأثیرگذار شاهنامه رفته تعقل و تدبیر آنها در امور را ارج می‌نهد، او زن را در شاهنامه فصیح‌الکلام و بلیغ می‌یابد و در عین حال موقع شناس و نکته‌سنج، رشیده حسن شکوه تصویر زنان تاجدار، همچنین شایستگی و کفایت زنان در منصب مشیر و سفیر در شاهنامه را بهترین نمونه از تصوّر عظمت زن در ذهن شاعر دانسته، وصف کتابیون را در شاهنامه در مقام مادر اسفندیار، بهترین ناصح و در

جایگاه همسر گشتاسپ نیکوحامی و پشتیبان می‌یابد و خون از مژه باریدن و موی برکندن را نشانه عشق وافر به فرزند دانسته نصایحش را در کمال شعور ادراک می‌شمارد.

پادشاهی آرم دخت و پوراندخت را در اوج هرج و مرج نشانه ذکاوت و سیاست مداری دانسته تلاش پوران را برای توانگر کردن درویشان و ترس او از آه مستمندان را می‌ستاید که نشان از شناخت وسیع و عمیق فردوسی از روان و روحیات زنان دارد. زن شاهنامه چنانکه در شوهرپرستی و محبت اولاد خاکسار و متواضع است در مقام مقابله با مردان چنان توانا به تصویر کشیده شده که مردان در مقابلش سر به زیر افکنده‌اند. هروم زنی که حتی اسکندر از جنگ با او احتراز دارد و یا گردآفرید نماد دلیری و جنگ‌آوری زن ایرانی قدرت و اقتدار زن را به نمایش می‌گذارد. نویسنده تصویر زن در شاهنامه را در نهایت احترام می‌بیند، حسن و زیبایی زن شاهنامه در کمال و اغراق است اما همواره پوشیده در پرده‌ای از حجب و نجابت، شخصیت تمام زنان شاهنامه در کنار عشق و محبت سزاوار احترام نیز هستند، نویسنده زن را عامل تخلیق شاهکار فردوسی دانسته داستان همسر فردوسی در تشویق و ترغیب او در به نظم کشیدن قصه‌های کهن را در جای جای مقاله تکرار می‌کند که: «می‌توان گفت محرک و سبب تخلیق شاهکار منظومه‌ای حماسی مانند شاهنامه زن است.» زنی که نه چون معشوقه‌های غزل و قصیده در پی طنازی و عشوه‌گری ست بلکه بانوی هوشمند و با فراستی است که با اصرار و بیدار کردن طبع والای شاعر در پی زنده کردن تاریخ کهن ایران زمین است. نویسنده سپس یکایک ابیاتی که فردوسی زوجه خود را مایه انبساط طبع و منبع شادمانی خود قرار داده می‌آورد و این زن خردمند را مدح می‌کند. (رشیده حسن، 2005):

مقاله «شاهنامه فردوسی پر ایک نظر» مقام زن در شاهنامه را با متانت در عشق، عزت و وقار، پختگی عقل، عفت و وفاداری و... برای شهبانویان و دیگر زنان شاهنامه بر می‌شمرد.

3-4- رویکرد تحلیلی تفسیری به منشأ سرودن، دیباچه داستان‌های شاهنامه و مضامین شاهنامه

در برخی از پژوهش‌ها شاهنامه از نظر تاریخی و جنبه علمی مورد توجه نویسنده است عوامل اهتمام فردوسی به سرودن شاهنامه را از دیدگاه خود مورد بررسی قرار می‌دهد، در مقاله «شاهنامه، فردوسی کا شاپکار» علاوه بر دو مورد قبل، نویسنده شاهنامه را از زاویه جامعه‌شناسی نیز تحلیل کرده و در نهایت شاهنامه را شاهکار می‌نامد و معتقد است شاهنامه نه تنها مشاهدات و طرز تفکر افراد را بیان کرده بلکه از لحاظ علمی موضوعاتی چون جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی را نیز دربر می‌گیرد. نکته دیگری که مورد توجه نویسنده است منابع مدون و موثق شاهنامه است، به نظر نویسنده فردوسی تاریخ ایران و داستان‌ها شاهنامه را از طرف خود ننوشته بلکه منابع شاهنامه را از دو کتاب موجود در عصر خود اخذ کرده و به نظم کشیده است. نسرین اختر زبان فارسی را سرمایه فردوسی برای احیای شوکت و وقار ایران دانسته، رو به زوال بودن این زبان را در آن دوره بررسی کرده است (نسرین اختر: 2009).

5- رویکرد بلاغی - زیبایی‌شناسی به شاهنامه

اعجاب بلاغت در شاهنامه در مقاله «شاهنامه فردوسی فن کے آئینے میں» به قلم مسرت واجد به زیبایی تحلیل و تمجید شده است، فنون بلاغی از معانی و بیان و بدیع بیت به بیت در شاهنامه استخراج ترجمه و تشریح شده

است (مسرت واجد: 2017) همچنین دکتر پروین در مقاله «شاهنامه فردوسی پر ایک نظر» شاهنامه را سرشار از تشبیهات، استعارات و تمثیل‌های گویا می‌بیند و آن را نمونه بارزی از سمبولیسم دانسته زنده بودن تصاویر شاهنامه را چنان می‌داند که گویا میدان جنگ و پهلوانان را خود به چشم دیده و رستم و دیگر شخصیت‌های شاهنامه را ژرف می‌شناسد. او فردوسی را کارگردانی زبردست می‌داند که هر نقشی را در شاهنامه به بهترین شکل ساخته و پرداخته است.

خاور نقوی در مقاله اش شاهنامه را سهل ممتنع دانسته کثرت صنایع ادبی زیبایی آهنگین آن را چنین شرح می‌دهد: ترجمه (شاهنامه به اعتبار فصاحت و بلاغت نمونه آشکار از سهل ممتنع است. فردوسی چنانکه صنایع شعری بسیاری به کار برده، نوآوری‌ها و خلاقیت‌هایی نیز آفریده با این حال در سلاست و روانی زبان و بیان خللی ایجاد نکرده است. در قسمت‌هایی از شاهنامه، آهنگ صوتی اشعار کیفیت لطیفی ایجاد کرده است.) او از بلاغت کلام و بیان جامع و موجز فردوسی در برخی ابیات اعجاب استفاده از صنعت ایجاز را چنین بیان می‌کند: ترجمه از اردو (با مطالعه پندها و نصایح شاهنامه به نظر می‌رسد که گاهی فردوسی عصاره فلاح و نجات انسان را در یک بیت فشرده و کلید خوشبختی را در کلامی کوتاه عرضه می‌دارد که جای شگفتی‌ست نمونه آن وقتی بزرگی انوشیروان را نصیحت می‌کند چه نغز و موجز می‌گوید.) (نقوی: 2011)

6- رویکرد تعلیمی- اخلاقی

نکات حکمی و اخلاقی در شاهنامه مورد توجه بسیاری از اردوزبانان قرار گرفته و می‌توان گفت اکثر آثار کمابیش بخشی را به ستایش بعد اخلاقی شاهنامه اختصاص داده‌اند. در مقاله «شاهنامه فردوسی پر ایک نظر اخلاقی اور اصلاحی لحاظ سے» طابره پروین به زیبایی ابیات حکمی و اخلاقی شاهنامه را گردآوری کرده با بیانی ادبی جایگاه حکمت و اخلاق را در تفکر فردوسی تبیین می‌کند. به گفته دکتر پروین بدون بررسی نکات اخلاقی شاهنامه معرفی این شاهکار ناقص خواهد بود. فردوسی افق دید بسیار گسترده و عواطف و احساسات سرشار داشته مهم‌تر از همه، به معنای واقعی دوست داروطن است. همچنین در «فردوسی اور اُس کا شهره آفاق شاهنامه» نویسنده جهانی آباد از پند و نصائح در شاهنامه می‌بیند که برای حاکمان و عوام الناس پند و نصیحت و مشعل راه است. چه زیبا نکات اخلاقی که از شاهنامه آموخته بیان می‌کند: «راز آسودگی باطن انسان در آسوده و خوشحال کردن مخلوق خداست، تخت و تاج امانت خدای لا یزال است و اقتدار حقیقی نزد ربّ اکبر است، انسان راه غفلت نپیماید و در خدمت به خلق بکوشد، آن را که حساب پاک است از هیچ نیرویی واهمه ندارد. مال و زر فانی است و علم و حکمت باقی و بدون هنر مال و دولت هیچ ارجی ندارد. آنکه تخم خیر و فلاح می‌کارد نامش در این سرای جاودان می‌ماند چنان که انوشیروان در تاجگذاری اهل ایران را خطابه داد... فردوسی در مدار نود و نه هر چیز را قرار می‌دهد کمال گرای مطلق نیست، حد اعتدال می‌پیماید.» (نقوی: 2011) اندیشمندان اردوزبان حکیم توس را طلایه‌دار علم و حکمت و پیشرو اهل دانش می‌دانند و معتقدند شاهنامه از نظر تاریخ تهذیب ادب و اخلاق برای اهل دانش درهای علم و حکمت را گشوده است.

7- رویکرد تلفیقی

تلفیقی از رویکرد تاریخ ادبیاتی و رویکرد تحلیلی تفسیری در تحلیل دیدگاه‌ها درباره فردوسی در برخی از پژوهش‌های زبان اردو دنبال شده است. در مقاله «شاهنامه سے فردوسی کے حالات» سید محمد عبدالله کوشیده تا با رویکردی تحلیلی، از متن شاهنامه و با شرح اشعار از زبان خود شاعر حالات و وقایع عصر فردوسی را تبیین کند. این مقاله را می‌توان تلفیقی از رویکرد تاریخ ادبیاتی و رویکرد تحلیلی تفسیری دانست. همچنین در مقاله «فردوسی احوال و آثار کی آئینه مین» خاور نقوی با رویکرد تاریخی ادبی در جستجوی احوال فردوسی است. تحلیل دیدگاه‌ها درباره فردوسی در راستای شخصیت‌شناسی در مقاله «پروفسر حافظ محمود شیرانی به حیثیت فردوسی شناس» (مظهر محمود شیرانی، 2012) به تفصیل مورد بررسی قرار گرفته است. تحقیق درباره شاهنامه پژوهان با رویکرد تاریخ ادبیاتی، رویکرد تفسیری و رویکرد فرهنگی در این اثر جمع است.

8- رویکرد ترجمه

تاریخچه رویکرد ترجمه شاهنامه به زبان اردو به سال‌های بسیار دور شبه‌قاره برمی‌گردد، شاهنامه به نثر به زبان فارسی با نام تاریخ شمشیر خانی توسط لال مول چند منشی در سال ۱۸۱۰ با نام قصه خسروان عجم به اردو ترجمه منظوم شده، ترجمه دیگری از آن توسط رجبعلی بیگ سرور با نام سرور سلطانی به زبان اردو برگردانده شده و ترجمه‌های منشور و منظوم فراوانی از شاهنامه در پاکستان وجود دارد، نظیرها که در زمره تخلیق‌ها به شمار می‌روند به زبان فارسی و اردو در ایالات مختلف پاکستان مخصوصاً ایالات سند، پنجاب و کشمیر به نظم درآمده. میرزا مهدی علی خان لکهنوی در سال ۱۲۷۶ و سید باقر حسین، ترجمه منظوم شاهنامه را سرودند، شاهنامه‌ای از محمد عاقل عاقلی ادیب دربار حاکمان راشدی ایالت سند به رشته تحریر درآمده است که ترجمه نثری یک بخش از شاهنامه فردوسی است، در سال 1846 میلادی غلام حیدر ترجمه اردوی شاهنامه را به نثر نوشت که کاری گرانمایه در 592 صفحه است. داستان شخصیت‌های شاهنامه در ایالت سند توسط شمس العلماء میرزا قلیچ بیگ به نثر زبان سندی در دو کتاب "شاهنامه وارا شاه" یعنی شاهان شاهنامه و "رستم" برگردانده شد، علاوه بر کتاب و مقالات از داستان‌های شاهنامه به زبان اردو دو نمایشنامه نوشته شده است؛ نمایشنامه "رستم و سهراب" در سال ۱۹۲۹ میلادی توسط حشر کشمیری و دیگری "ضحاک" در اواسط قرن بیستم از نمایشنامه‌نویس معروف اردو زبان دکتر محمد حسن که بسیار مورد توجه واقع شد.

نتیجه گیری :

آگاهی از نقطه نظر اردو زبانان و زاویه دید آنها نسبت به شاهنامه همچنین دانستن نقد و تحلیل آنان همواره مورد توجه اهالی ادبیات فارسی بوده است. بسیاری از پژوهشگران شبه قاره آثار خود را به زبان فارسی نوشته اند اما پژوهش‌های اردو نیز بسیارند که برای فارسی زبانان ناشناخته مانده اند، برای پر کردن این خلأ، این نوشتار کوشیده است نظر اردو زبانان پاکستان و آنچه درباره شاهنامه فردوسی به زبان اردو نگاشته اند را رویکرد شناسی کرده زاویه دید و نوع نگاه آنان و آنچه از شاهنامه مورد پسند و توجه شان قرار گرفته، تفکر و برداشت آنان از شاهنامه یا آنچه نقد و انتقاد نموده اند را به فارسی زبانان برساند. در این نوشتار علاوه بر این موارد دریافتیم چه

منابعی درباره شاهنامه به پاکستان راه یافته و چه برداشت‌هایی (صحیح یا غلط) توسط اردو زبانان از این منابع و یا ترجمه‌های اردوی آن شده است. با بررسی برخی از پژوهش‌ها مشاهده می‌شود که شاهنامه پژوهان اردو زبان از زوایای مختلفی به شاهنامه نگریده و به موضوعات گوناگونی پرداخته‌اند و اکثر نویسندگان رویکردی تلفیقی دارند، تلفیقی از رویکرد تاریخ ادبیاتی، رویکرد تحلیلی-تفسیری، رویکرد تعلیمی و اخلاقی و مشترکا رویکرد ترجمه، و گاهی بلاغت شاهنامه برای آنها اعجاب برانگیز بوده است و در گوشه‌ای نقدی بر تفکر ملی فردوسی در مقابل ارق دینی او داشته‌اند. به طور کلی در مقدمه آثار به تحسین شاهنامه به عنوان شاهکاری حماسی و تجلیل از فکر و فن فردوسی حکیم پرداخته‌اند. زاویه دید اردو زبانان و آنچه از شاهنامه برای آنان جالب توجه بوده یا آنچه نقد کرده‌اند، همچنین روش‌های بررسی و تحلیل شاهنامه فردوسی در مقالات، ترجمه‌ها، کتابها و رساله‌های اردو زبانان پاکستان، مورد بررسی قرار گرفته و بر مبنای رویکرد نویسندگان به شاهنامه، طبقه‌بندی شده است.

پژوهش‌های اردو درباره شاهنامه دارای رویکردهای متنوعی است، از جمله رویکرد تاریخ ادبیاتی، رویکرد تطبیقی، رویکرد تحلیلی-تفسیری، رویکرد انتقادی و رویکرد ترجمه. این تنوع نشان‌دهنده غنای مطالعات شاهنامه‌پژوهی در پاکستان است، همچنین شاهنامه در پاکستان به عنوان نمادی از هویت فرهنگی مشترک با ایران و پاسداری از زبان فارسی مورد توجه قرار گرفته است، نظیر مسرایی به زبان‌های اردو و فارسی نیز با الهام از شاهنامه و مطالعه تطبیقی شاهنامه با آثار ادبی اردو، می‌تواند به درک بهتر روابط فرهنگی و ادبی بین ایران و پاکستان کمک کند، به علاوه ترجمه‌های شاهنامه به زبان اردو، امکان دسترسی به این اثر را برای طیف وسیعی از مخاطبان در پاکستان فراهم کرده است. طی بررسی نوشتارهای اردو زبانان دریافتیم اگرچه بسیاری از پژوهش‌های زبان اردو به تحسین شاهنامه پرداخته‌اند، برخی نیز با نگاهی نقادانه به بررسی این اثر پرداخته و دیدگاه‌های متفاوتی ارائه کرده‌اند، نکته حائز اهمیت این که پژوهش‌های حافظ محمود شیرانی به عنوان یکی از منابع اصلی تحقیقات ادبیات حماسی اردو در پاکستان منشأ برخی جریانهای شاهنامه پژوهی است.

رویکرد پژوهش‌های اردو با گذشت زمان تغییر کرده است، از رویکرد تاریخی ادبیاتی در سال‌های اولیه، به رویکردهای تحلیلی، تفسیری و تطبیقی در سال‌های اخیر رسیده‌ایم. با وجود برخی مغالطات و معضولات، پژوهش‌های اردو درباره شاهنامه، گنجینه‌ای ارزشمند از اطلاعات و دیدگاه‌ها را در اختیار علاقه‌مندان به این اثر قرار می‌دهد البته پرواضح است که اهمیت دادن به تصحیح و رفع اطلاعات غلط در پژوهش‌های آتی مسئولیتی سنگین بر دوش شاهنامه پژوهان است.

منابع:

- ##- نسرين اختر؛ زاہدہ ناز(2009). «شاهنامہ شایکار فردوسی»، مجلہ اورینٹل کالج میگزین لاہور.
- ##-اقبال، شیخ محمد (1953). «شاهنامے میں طلوع آفتاب»، مجلہ اورینٹل کالج میگزین لاہور.
- ##-اقبال، شیخ محمد (1930). تاریخ رزمیات ایران (شاهنامہ فردوسی). اقتباس و ترجمہ اثر نولدکے از ##-آلمانی بہ اردو، سلسلہ نوشتار در مجلہ اورینٹل کالج میگزین لاہور.
- ##-اقبال، شیخ محمد (1932). «شاهنامے کے مآخذ»، اورینٹل کالج میگزین لاہور.
- ##-امجد، ساجد (2017). فردوسی سے حافظ شیرازی تک. کراچی: سٹی بک پوائنٹ.
- ##- ثمنہ بتول(2017). «شاهنامہ فردوسی اور مثنوی سیف الملوک کی بزمیہ شاعری»، پیغام آشنا، ش 70 : فصلنامہ مرکز تحقیقات اسلام آباد.
- ##-رشیدہ حسن(2005). «عورت کا مقام شاہنامہ فردوسی کے حوالے سے»، پیغام آشنا، ش 22 : فصلنامہ مرکز تحقیقات اسلام آباد.
- ##-حسین شاہ، زوار (2008). «رزم نامہ انیس و دبیر، تقابلی تعارف»، بزم سخن انجمن: لاہور.
- ##-راشدی، پیر حسام الدین (1369). «نفوذ فردوسی و شاهنامہ در سند»، تہران: انجمن آثار و مفاخر.
- ##-ریاحی، محمد امین (1372). سرچشمہ های فردوسی شناسی، تہران: پژوهشگاہ علوم انسانی.
- ##-سیفی (2008). «شاهنامہ سند»، پیغام آشنا، ش 28، فصلنامہ مرکز تحقیقات : اسلام آباد.
- ##-شیرانی، حافظ محمود(1930) «شاهنامے سے فردوسی کی حالات» سلسلہ مقالات اردو در مجلہ اورینٹل کالج میگزین لاہور.
- ##-شیرانی، مظہر محمود (2012). «پروفیسر حافظ محمود شیرانی بحیثیت فردوسی شناس»، مجلہ کاوش، ش ۱۸، دانشگاہ جی سی لاہور.
- ##-طاہرہ پروین (2010). «شاهنامہ فردوسی پر ایک نظر»، پیغام آشنا، ش 35، فصلنامہ مرکز تحقیقات: اسلام آباد.
- ##-عمر، ماریہ (2015). مطالعہ تطبیقی شاہنامہ فردوسی با جارج نامہ ملا فیروز پارسی (رسالہ دکتری). دانشگاہ ال سی بانوان لاہور.
- ##-فائزہ زہرا مرزا (2024). «ظفرنامہ، حماسہ ای بہ سبک شاہنامہ فردوسی»، مجلہ اینٹرنیٹ دانشگاہ کراچی.
- ##-قانع تتلوی (بی تا). تذکرہ مقالات شعرا . کراچی: حیدری پبلیکیشنز.

- ##-قریشی (2005). «ایرانی مصوری کے مغل مینی ایچر پر اثرات»، پیغام آشنا، ش 24 : فصلنامہ مرکز تحقیقات اسلام آباد۔
- ##-کاظمی، فلیحہ زہرا (2013). «سوغات حماسہ از توس تا کشمیر»، مجلہ سفینہ، ش 11 ، لاہور۔
- ##-کاظمی، فلیحہ؛ عنبر ذوالفقار (2017). «فردوسی اور اقبال فارسی کے دو عظیم شاعر»، پیغام آشنا، ش 78 : فصلنامہ مرکز تحقیقات اسلام آباد۔
- ##-کاظمی، فلیحہ؛ کوثر، ناہید (2017). «تاریخ اسلام کا مظہر یاد ایام اور شاہنامہ فردوسی»، پیغام آشنا، ش 71 : فصلنامہ مرکز تحقیقات اسلام آباد۔
- ##-میان محمد (1998). «پنجابی ادب پر شاہنامہ کے اثرات»،
- ##-مول چند منشی (بی تا). قصہ خسروان عجم (اردو شاہنامہ)، راولپندی: انجمن فارسی
- ##-نقوی، خاور (2011). «حکیم ابوالقاسم فردوسی اور اس کا شہرہ آفاق شاہنامہ»، پیغام آشنا، ش 71 : فصلنامہ مرکز تحقیقات اسلام آباد۔
- ##-نوشاہی، عارف (2005). «فردوسی طوسی اور اس کا آفاقی شاہکار شاہنامہ»
- ##-نویسندگان نشریہ (2005). «فردوسی کا مقبرہ اور مجسمہ»
- ##-مسرت واجد (2017). «شاہنامہ فردوسی فن کے آئینے میں»، مجلہ اورینٹل کالج میگزین لاہور۔

رویکردشناسی پژوهشهای زبان اردو به شاهنامه

ORIGINALITY REPORT

1 %	1 %	0 %	0 %
SIMILARITY INDEX	INTERNET SOURCES	PUBLICATIONS	STUDENT PAPERS

PRIMARY SOURCES

1	ensani.ir Internet Source	<1 %
2	www.irane7000saale.com Internet Source	<1 %
3	www.am-journal.ir Internet Source	<1 %
4	www.qoqnoos.ir Internet Source	<1 %
5	www.yasgroup.ir Internet Source	<1 %
6	www.radikalism.blogspot.com Internet Source	<1 %
7	www.shadaneh.com Internet Source	<1 %

Exclude quotes Off
Exclude bibliography Off

Exclude matches Off

THE RESEARCH JOURNAL ANAHITA

Department of Persian, Lahore College for Women University, Lahore,
Pakistan

Performa for build evaluation of the research article submitted for publication in Anahita

Title of the Research Article :

Urdu language research in Pakistan on Shahnama from the perspective of
approachology

رویکردشناسی پژوهش های زبان اردو به شاهنامه

Language of the Research Article: **Persian**

After evaluating of the research article, please select one of the followings and put your signature in the relevant box

1	Acceptable: The research article is of sufficient merit to justify the publication and no change is suggested.	✓
2	Acceptable with Major Revisions: The research article is of sufficient merit to justify the publication. Comments are enclosed and verification of the revisions is left up to the satisfaction of the Editorial Board:	
3	Acceptable with Minor Revision: The research article is not acceptable in its present form. The comments are enclosed and the author is allowed to revise and re-submit his / her research article for re-evaluation to me.	
4	Not Acceptable The research article is not of sufficient merit to justify the publication and comments are enclosed.	



Comments (extra sheets may be attached :)

طبقه بندی و تحلیل رویکردی گوشه‌های از پژوهش‌های زبان اردو که مشتی نشانه خروار است، تصویری شفاف تر از اشتیاق غیر فارسی زبانان به آثار کلاسیک فارسی ارائه میکند.

بسیاری از پژوهشگران شبه قاره آثار خود را به زبان فارسی نوشته اند اما پژوهش های زبان اردو نیز بسیارند که برای فارسی زبانان ناشناخته مانده اند، برای دانستن اینکه چه جنبه هایی از شاهنامه مورد پسند و توجه اردو زبانان قرار گرفته و برداشت آنان از شاهنامه چگونه است این نوشتار کوشیده است به تبیین رویکرد و جهت گیری آنان در پژوهش‌هایشان به زبان اردو بپردازد.

به نظر می رسد اردو زبانان از زوایای مختلفی به شاهنامه نگریسته و به موضوعات گوناگونی پرداخته اند، نظر میرسد نوشته‌های زبان اردو فردوسی پژوهان به نامی چون حافظ محمود شیرانی پس از گذشت سالیان سال هنوز منبع اصلی فردوسی پژوهی در این خطه است و دیگران تحت تاثیر نظرات شیرانی درباره فردوسی دست به قلم شتاباند و پژوهش‌های جدید فارسی از دسترس اردو زبانان دور بوده است تحقیق جدید هست در شاهنامه موضوع هم جالب هست حتما مقاله چاپ باشد برای محققان یک باب جدید در تحقیق آغاز میشود.

Name and Address of the Evaluator

Dr Muhammad Ibrahim Irajpour , Associate Professor

Department of Persian, Payam e Noor University- Iran



Signature of the Evaluator

THE RESEARCH JOURNAL ANAHITA

Department of Persian, Lahore College for Women University, Lahore,
Pakistan

Performa for build evaluation of the research article submitted for publication in Anahita

Title of the Research Article :

Urdu language research in Pakistan on Shahnama from the perspective of
approachology

رویکردشناسی پژوهش های زبان اردو به شاهنامه

Language of the Research Article: **Persian**

After evaluating of the research article, please select one of the followings and put your signature in the relevant box

1	Acceptable: The research article is of sufficient merit to justify the publication and no change is suggested.	✓
2	Acceptable with Major Revisions: The research article is of sufficient merit to justify the publication. Comments are enclosed and verification of the revisions is left up to the satisfaction of the Editorial Board:	
3	Acceptable with Minor Revision: The research article is not acceptable in its present form. The comments are enclosed and the author is allowed to revise and re-submit his / her research article for re-evaluation to me.	
4	Not Acceptable The research article is not of sufficient merit to justify the publication and comments are enclosed.	


Professor
Department of Persian
University of the Punjab Lahore

Comments (extra sheets may be attached :)

فارسی ادب کی مشہور تصانیف خاص طور سے فردوسی کے شاہنامہ سے فارسی زبان بولنے والوں نے جن طریقوں اور زاویوں سے رابطہ کیا ہے وہ ہمیشہ فارسی بولنے والوں کے لیے دلچسپی کا باعث ہے۔ برصغیر کے بہت سے محققوں نے فارسی میں تصنیفات تحریر کی ہیں لیکن اردو زبان و ادب میں بہت سے ایسے علوم بھی ہیں جو فارسی بولنے والوں کے لیے ناآشنا ہیں۔

یہ جاننے کے لیے کہ شاہنامہ کے کن پہلوؤں نے اردو بولنے والوں کی توجہ اپنی طرف مبذول کروائی ہے، اور وہ اس کی تفسیر کیسے کرتے ہیں۔ اس مقالے میں اردو زبان کی تحقیق میں ان کے نقطہ نظر اور رجحان کی وضاحت کرنے کی کوشش کی گئی ہے۔ ایسا لگتا ہے کہ اردو بولنے والوں نے شاہنامہ کو مختلف زاویوں سے دیکھا ہے اور متنوع موضوعات پر بات کی ہے۔ کچھ کاموں نے ایک خاص مقصد کے ساتھ ایک نقطہ نظر کی پیروی کی ہے اور کچھ مصنفین نے ایک مشترکہ نقطہ نظر، ادبی تاریخ کے نقطہ نظر کا مجموعہ، تجزیاتی اور تشریحی نقطہ نظر، ادبی اور اخلاقی نقطہ نظر اور کبھی کبھی شاہنامہ کی بیان بازی ان کے لیے حیران کن رہی ہے۔

انہوں نے اس پر شازوند ہی تنقید کی ہے۔ ایسا لگتا ہے کہ فردوسی جیسے علماء حافظ محمود شیرانی جیسے نامور فردوسی علماء کی اردو تصانیف کئی سالوں کے بعد بھی اس خطے میں فردوسی کے مطالعہ کا بنیادی ماخذ ہیں اور دیگر نے فردوسی کے بارے میں شیرانی کے خیالات کے زیر اثر لکھا ہے۔ اردو زبان کی تحقیق کے انتخاب میں ان طریقوں کی درجہ بندی اور تجزیہ کرنا جو کہ پورے کے صرف ایک حصے کی نمائندگی کرتا ہے۔ کلاسیکی فارسی ادب کے لیے غیر فارسی بولنے والوں کے جوش کی واضح تصویر فراہم کرتا ہے۔

مصنف مقالہ کے موضوع کے ساتھ مکمل انصاف کرتا ہوا دکھائی دیتا ہے۔

مقالہ چھاپنے کے سفارش کی جاتی ہے۔

Name and Address of the Evaluator

Prof. Dr.Muhammad Sabir

Persian Department

Oriental College, University of the Punjab, Lahore


Professor
Department of Persian
University of the Punjab Lahore

Signature of the Evaluator